

جایگاه مفهوم آزادی در اندیشه امام خمینی علیه السلام

حسین محسنی سیف‌آبادی*

چکیده:

آزادی در دیدگاه امام خمینی علیه السلام، هدیه‌ای الهی است و این نعمت را خداوند به پاس مقاومت و مبارزه‌های طولانی ملت مسلمان ایران به آنان بخشیده است. به اعتقاد امام علیه السلام، آزادی از بزرگ‌ترین آرمان‌های انقلاب و نهضت اسلامی است و هیچ شخص و مقامی حق محروم کردن انسان‌ها را از آزادی خدادادی ندارد. ایشان به تمام ابعاد آزادی توجه داشته و تأمین آزادی‌های عقیده، بیان، انتقاد، اجتماعات، مطبوعات، رسانه‌ها و غیره را وظیفه نظام اسلامی می‌داند. آزادی در ادبیات مبارزه‌ای امام علیه السلام، همواره یکی از اهداف مهم بوده و این کلمه، در مبارزه‌های قبل از انقلاب، در بیانات‌شان به تکرار آمده است. ایشان آزادی را حق اولیه بشر می‌داند که از ابتدای خلقت به او بخشیده شده و حقی همانند حق حیات است که آدمی قبل از تشکیل جامعه و دولت از آن برخوردار است و دولت نیز موظف به پاسداری از حریم آن است. امام علیه السلام در اوج ارج نهادن به آزادی، آن را نتیجه یگانه‌پرستی می‌داند؛ چراکه اعتقاد به خدای یگانه سبب آزادی می‌شود و سلب آزادی، شرک را به ارمغان می‌آورد. این مقاله درصدد بررسی مفهوم آزادی در اندیشه امام خمینی علیه السلام است و نیز به انواع آزادی از دیدگاه ایشان می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی علیه السلام، آزادی، دین اسلام، آزادی سیاسی، عبودیت.

۱. مقدمه

آزادی و اختیار، یکی از ابعاد وجودی انسان است و به بیان بهتر، در کنار عقل و خرد، رکن دیگر وجود انسان است. در واقع، آزادی، یکی از طبیعی‌ترین حقوق انسان است که خداوند همزاد با وی آفریده است (پهلوان، ۱۳۷۹، ص ۶). آزادی به عنوان یک نیاز اساسی و فطری در زندگی فردی و اجتماعی انسان همیشه در کانون توجه انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان علوم سیاسی، حقوق و سایر علوم اجتماعی و انسانی بوده و در این باره بحث‌های فراوانی نیز انجام شده که بیشتر اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی مدون در حوزه اندیشه سیاسی امروز و دیروز را به خود اختصاص داده است.

آزادی، واژه مشترک و مفهومی ارزشمند است که از دیرباز در هاله‌ای از تقدیس و احترام، توجه بسیاری از اندیشمندان را در تاریخ تفکر بشری به خود جلب کرده و آدمی برای دستیابی به این گوهر گرانبها آن قدر قربانی داده که شاید هیچ راهی این همه فراق را به خود ندیده است! این واژه، به عنوان یکی از هدف‌های محوری انقلاب مردم ایران، مطرح و همواره نیز در تمامی سال‌های پس از پیروزی انقلاب در فضای فکری ایران جاری بوده است.

آزادی، یکی از آرمان‌های اساسی اسلامی بوده و هست. در واقع، می‌توان بیان کرد که یکی از ستون و پایه‌های مشروعیت حکومت اسلامی، چه در مرحله پیدایش و چه در مرحله بقاء و ثبات، تأمین و تثبیت آزادی برای تمام شهروندان است.

در دنیای کنونی، به‌ویژه عصر تجدد و در ایران بعد از انقلاب مشروطیت، نگاه به آزادی و تفسیر آن دگرگونی‌های زیادی داشته است؛ چراکه به دلیل دگرگونی‌های سرچشمه گرفته شده از غرب، برخی اندیشه‌ها از آزادی مطلق و به‌طور کامل رها تا حذف کامل آزادی پیش می‌رود. در دهه‌های اخیر، به دلیل رشد نهضت‌های گوناگون آزادی‌بخش در جوامع اسلامی و شکل‌گیری و پیروزی نهضت انقلاب اسلامی ایران، توجه به مقوله آزادی دو چندان شد و این مفهوم، ذهن اندیشمندان سیاسی و فکری را به خود مشغول کرد. آزادی، به معنای «فقدان مانع در انجام کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد»، تعریف شد. هابز در تعریف آزادی می‌گوید: «انسان آزاد کسی است که چون بخواهد کارهایی را انجام دهد که در توان و استعداد او هست، با مانعی روبه‌رو نشود» (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۲۱).

آزادی، یکی از طبیعی‌ترین مواهب باری تعالی برای تکامل حقوق انسان است که خداوند هدف از اعطای آن را کمک به رشد و کمال انسان بیان کرده است. شاید بتوان گفت که همه دوران مبارزه‌ای تاریخ بشر برای آزادی است و شاید بشر در راه هیچ آرمان دیگری، این گونه فداکاری نکرده که در این راه تلاش کرده است؛ زیرا که آزادی همواره گرانبهاترین گوهری بوده که انسان محصور آن و بیشتر مهجور از آن مانده است. در این راستا، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، یکی از پرفروغ‌ترین چهره‌های مبارزه‌ای

آزادی خواهانه است که در قرون اخیر پرچم آزادی حقیقی را برداشته که در پرتو اندیشه ناب تفکر دینی است و به تبیین مفهوم واقعی آن پرداخته است (بنده‌قرائی و تقی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۳۲). آزادی با ابعاد گوناگونش در رشد و تکامل انسان و جامعه نقش مؤثری دارد؛ به همین دلیل، اهمیت ویژه‌ای دارد و یکی از موهبت‌های الهی به شمار می‌رود. خدای متعال، یکی از رسالت‌های پیامبران از آدم تا خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را آزادی انسان از خمود، جمود و بردگی قرار داده است. ائمه علیهم السلام نیز به آزادی انسان‌ها توجه کرده‌اند. همچنین در قرآن به آزادی عقیده و اندیشه اشاره شده است. بنابراین، قرآن و سنت، آزادی را جزء فطرت انسان می‌دانند و یکی از علل انحطاط مسلمانان در بعضی از اعصار را خمود و جمود فکری آنان و نبود آزادی بیان می‌کنند.

مفهوم آزادی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

حال باید پرسید که «آزادی» چیست که آدمی برای آن، این همه فداکاری کرده است؟ دانشمندان، تعریف‌های گوناگونی از این واژه کرده‌اند که همه این تعریف‌ها براساس جهان‌بینی و نوع نگرش آنان به هستی و انسان بوده است؛ یعنی عقیده آنان همگی در این تعریف‌ها بازتاب روشن و آشکاری داشته است. همه تعریف‌ها در دو تعریف خلاصه می‌شود: یکی، تعریف الحادی یا سکولاریستی و دیگری، تعریف الهی. براساس تعریف الحادی، آزادی حق انسان است و آدمی در نوع پوشاک، خوراک، مسکن، عقیده، رفتار و همه جنبه‌های زندگی آزاد است و به بیان دیگر، آزادی خواهش‌های انسان است و انسان براساس مجموعه‌ای از این خواست‌ها و تمایل‌های نفسانی و قانونمند شده و بدون توجه به امر و نهی الهی زندگی می‌کند؛ اما براساس تعریف الهی و درست، آزادی، حقیقی است که خداوند برای انسان جعل و مقرر کرده است و حد آن، مرزهایی است که در قوانین الهی مشخص شده است. به عبارت دیگر، آزادی‌ای که اسلام آن را نعمت بزرگ خداوند بیان می‌کند، میدان وسیعی است که تفکر، اندیشه و به‌طور اساسی همه استعداد‌های آدمی را به رشد و تعالی می‌رساند.

هیچ یک از فیلسوف‌های شرقی و غربی (سقراط، هگل، لاک و غیره)، آزادی را به‌طور مطلق بیان نکرده‌اند؛ بلکه هر کدام با کلمه‌ای، مانند اخلاق و قانونمند شدن طبیعت - تا زمانی که به دیگران ضرر نرساند - چارچوب دستورها و قوانین کشوری آن را بیان کرده‌اند. بنابراین، هیچ‌کس تا کنون آزادی را به معنای اینکه انسان آزاد است تا هر کاری بخواهد بکند، هر شکلی بخواهد زندگی کند، هر چه بخواهد بگوید، هر کجایی که بخواهد مسکن بسازد و غیره، تعریف نکرده است؛ زیرا این‌گونه آزادی با عقل و خرد انسانی ناسازگار است (حسینی و پیروزبخت، ۱۳۷۸، ص ۵).

امام خمینی علیه السلام در چند مورد آزادی را تعریف کرده است. براساس اسناد موجود، او در سال ۱۳۴۳

آزادی را همزاد انسان دانسته و به دلیل شرعی آن نیز اشاره کرده است. ایشان در دو سال ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸، یک سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و یک سال بعد از آن، بیش از همیشه روی این مقوله تأکید کرده است. وی در ۱۲ مورد آزادی را حق طبیعی و فطری انسان دانسته و در ۱۱ مورد، از آن به عنوان نعمت، رحمت و هدیه الهی یاد کرده و پاسداری از آن را جزء دستورهای اسلامی شمرده است. به نظر امام علیه السلام، همان گونه که خدا انسان را عاقل آفریده، آزاد هم آفریده است، نه اینکه ابتدا انسان را ممنوع التصرف خلق کرده و با ارسال شریعت، به او آزادی‌هایی داده است. خدا خواسته است که مردم همیشه بر خود مسلط و حق به کارگیری از توانایی‌های خود را داشته باشند (منتظر قائم، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

با دقت در اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام - که در کلام، نوشته‌ها و در نهایت، وصیت‌نامه سیاسی الهی آن حضرت متجلی است - معلوم می‌شود که ایشان در یک نگاه عمیق و برخاسته از درک مبانی اسلام به عنوان دین پاسخ‌گو به همه نیازهای بشری در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها و با انسان‌شناسی خاص برگرفته از جهان‌بینی ناب توحیدی به مسئله آزادی پرداخته و آن را در ردیف نعمت‌های خداوند می‌داند که به انسان عطا شده است و می‌فرماید: «آزادی، یک نعمت بزرگ الهی است» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۸، ص ۳۱۳). بر این اساس، آزادی فراتر از یک حق طبیعی و انسانی، بلکه یک موهبت و نعمت خدادادی است که حضرت حق آن را با خمیر مایه او در خلقت همراه کرده است.

امام خمینی علیه السلام از آزادی به عنوان یکی از حقوق اولیه بشری یاد می‌کند و می‌فرماید: «اینها (ملت ایران) دارند حقوق اولیه بشر را مطالبه می‌کنند» (همان، ج ۲، ص ۱۳۰). باتوجه به این کلام نورانی می‌توان گفت که آزادی از حقوق اولیه همه انسان‌ها و امری خدادادی و فطری است. امام علیه السلام با نگاهی عمیق به مبانی اسلام درباره آزادی می‌فرماید: «در اسلام اختناق نیست، در اسلام آزادی هست برای همه طبقات، برای زن و مرد، برای سفید و سیاه، برای همه» (همان، ج ۴، ص ۱۱۰). ایشان سیاست اصولی و خدشه‌ناپذیر نظام اسلامی را حفظ آزادی می‌داند و تصریح می‌کند: «سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم» (همان، ج ۵، ص ۲۳۸).

امام خمینی علیه السلام در مبارزه‌های ضد استبدادی و ضد استعماری در حیات خویش و در شرایط حاکمیت ستم‌شاهی بر ایران، همیشه آزادی را به عنوان یکی از آرمان‌ها و اهداف قیام برشمرده و بر این باور است که اگر حکومت‌ها شمشیر و سرنیزه را از سر مردم بردارند و آزادی در کشور باشد، حکومت ستمکارانه آنان دوام نخواهد آورد: «شماها (شاه و دربار او) می‌دانید که اگر ملت سرنوشت خود را به دست گیرد وضع شماها این‌طور نیست و باید تا آخر کنار بروید اگر ده روز آزادی به گویندگان و نویسندگان بدهید، جرائم شما بر ملا خواهد شد. قدرت آزادی دادن ندارید، الخائن خائف» (همان، ج ۱، ص ۱۳۳).

امام خمینی علیه السلام با شناخت درست سیاست‌های دشمنان آزادی و استقلال ملت ایران، راه آزادی و استقلال حقیقی ملت را در پای‌بندی به احکام نورانی اسلام و حاکمیت احکام شریعت می‌دانستند و تا پایان مبارزه نیز برای دستیابی به آزادی‌های مشروع و حقوق اولیه ملت مسلمان ایران از هیچ کوششی فروگذار نکردند (هزاوه‌ای، ۱۳۷۹، ص ۹۳).

نخستین گام در بحث از آزادی، تبیین مفهوم آن است. امام علیه السلام در این باره می‌فرماید:

آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزامان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید، کسی به شما الزام نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی؛ کسی الزامان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی. آزادی یک چیز واضحی است (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۸۸).

مفهوم آزادی کامل در اندیشه امام علیه السلام آن است که آدمی را به کمال برساند و مفهوم کمال چیزی جز قرب الهی و دوری از رذائل نیست. از دیدگاه ایشان، آزادی‌هایی که آدمی را از انسانیت، اخلاق و معنویت دور می‌کند؛ در حقیقت، آزادی نیست.

منظور امام علیه السلام از آزادی، آزادی مطلق نیست؛ چراکه به‌طور اساسی آزادی مطلق، یک امر محال و غیر ممکن است. آزادی مطلق سبب اخلال در نظم عمومی می‌شود. اگر هر فردی به‌طور مطلق آزاد باشد و بخواهد به خواسته‌هایش دست یابد، باعث تضاد خواسته‌های گوناگون افراد می‌شود، نظم اجتماعی از هم می‌پاشد، سنگ بر روی سنگ بند نمی‌شود و مصالح عمومی به خطر می‌افتد؛ از این رو، آزادی مطلق، یک امر نامعقولی است (محمودی، ۱۳۷۷، ص ۳۵). یک نکته مهم در سخنان امام علیه السلام درباره آزادی وجود دارد که مبنای خاستگاه آزادی است و آن اینکه از نظر ایشان، اساس آزادی برخاسته از توحید ناب و خالص است. در این صورت، اطاعت فقط از آن خداوند است و نیز کسانی که در راه خدا گام بر می‌دارند و نه هر سلطه‌گر مستبدی که قدرت در دستان اوست. ایشان در این باره می‌فرماید:

تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلق است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می‌آموزد که انسان، تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد. بر این اساس، هیچ انسانی حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۶۶).

در دنیای اسلام، آزادی چنان اهمیت و جایگاهی دارد که انقلاب بزرگ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، یکی

از متعالی‌ترین ارزش‌های خود را آزادی انسان از قیود و بندها معرفی کرده و مبارزه‌های آزادی‌خواهانه را رهبری و تحقق بخشیده است. امام خمینی علیه السلام نیز که یکی از شخصیت‌های برجسته در مبارزه‌های آزادی‌خواهانه بوده است و یکی از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران را آزادی انسان‌ها می‌دانست؛ توانست مبارزه‌های آزادی‌خواهانه ملت ایران را در برابر رژیم پهلوی براساس نگرش دینی رهبری کند. همچنین ایشان در قلمرو اندیشه براساس آموزه‌های دین اسلام به بیان مفهوم آزادی، حدود و گستره آن پرداخت. به این ترتیب، آزادی یکی از مفاهیم اساسی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام محسوب می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۰).

رهنمودهای امام خمینی علیه السلام درباره آزادی

- در ادامه، گزیده‌ای از فرمایشات و بیانات امام خمینی علیه السلام درباره آزادی ارائه می‌شود:
- «به حسب شرع ملت آزاد است» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۲۰۶).
 - «یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است. انسان واقعی ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است» (همان، ص ۲۴۲).
 - «اسلام، دین آزادی و استقلال است» (همان، ج ۶، ص ۵۲۶).
 - «ما می‌خواهیم آزاد باشیم. این یکی از حقوق بشر است که همه عالم این معنا را قائلند» (همان، ص ۹۱).
 - «اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم» (همان، ج ۱۱، ص ۳۴).
 - «اگر اسلام نبود، اینها که برای آزادی قلم‌فرسایی می‌کنند، اینجا نبودند، آزادی نداشتند. آزادی را اسلام به ما داد» (همان، ج ۸، ص ۲۸).
 - «اول مرتبه تمدن، آزادی ملت است. مملکتی که آزادی ندارند، تمدن ندارند... مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشد، مردم آزاد باشند در اظهار عقاید و رأیشان» (همان، ج ۵، ص ۳۲-۳۳).
 - «این مردمی که استقلال و آزادی می‌خواهند، اینها وحشی نیستند. اینها متمدنند که آزادی و استقلال می‌خواهند. وحشی‌ها آنها هستند که استقلال و آزادی را از اینها گرفته‌اند؛ نه اینهایی که استقلال و آزادی را می‌خواهند... آن کسی که این حق را می‌خواهد، آن متمدن است» (همان، ص ۴۳).
 - «ما باید یک وقت هم زنده بشویم، بیدار بشویم، ملتفت بشویم، آزادی را بگیریم، حق را باید گرفت با سر نیزه، با مسلسل باید حق را گرفت از اینها، خودشان که نمی‌دهند. بایستید در مقابل اینها» (همان، ج ۶، ص ۷۵).
 - «قرآن کریمی که استقلال و آزادی را توصیه کرده است» (همان، ص ۱۰۱).

– «سرلوحه اعلامیه آزادی حقوق بشر – سرلوحه‌اش – آزادی افراد است. هر فردی از افراد بشر آزاد است، باید آزاد باشد» (همان، ج ۳، ص ۳۳۲).

– «مگر آزادی اعطا شدنی است! خود این کلمه جرم است. کلمه اینکه «اعطا کردیم آزادی را» این جرم است. آزادی مال مردم است، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده... «اعطا کردیم» چه غلطی است؟» (همان، ص ۴۰۶-۴۰۷).

– «استقلال و آزادی، دو تا چیزی است که همه بشر، طالب آن هستند» (همان، ج ۵، ص ۴۳).

امام خمینی علیه السلام درباره اخلاق و سنت‌های انسانی در تشریح اوضاع آینده ایران، بر آزادی‌های مقید به شئون جامعه تأکید دارد و معتقد است: «ما موافق رژیم آزادی‌های کامل هستیم. باید حدود رژیم آینده ایران، همان‌گونه که برای کلیه دولت‌های متکی به مردم مطرح است، منافع مجموع جامعه را دربرگیرد و همچنین باید به شئون جامعه ایرانی مقید بوده باشد؛ زیرا عرضه یک جامعه غیر محدود، دستبرد به شرف مردان و زنان آن می‌باشد» (همان، ج ۴، ص ۳).

بنابراین، با بررسی همه بیانات امام خمینی علیه السلام می‌توان این‌گونه بیان کرد که به اعتقاد ایشان، اسلام آزادی را به مردم هدیه داد و آزادی حق اولیه بشر است؛ حقی که از همان ابتدای خلقت به او عطا شده است. از دیدگاه اسلام، انسان آزاد است، آزاد آفریده شده و آزاد زندگی می‌کند و از بهترین و بالاترین نوع آزادی برخوردار است؛ اما آزادی به گونه درست و معقول آن و در حد و مرز قانون. قانون برای تأمین آزادی همه افراد جامعه آمده است، نه برای محدود کردن و در تنگنا قرار دادن و گرفتن آزادی. اگر قانون نباشد، جامعه از آزادی محروم خواهد شد.

اهمیت و ارزش آزادی

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام ارزش آزادی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- الف. آزادی به مثابه حقی طبیعی؛
- ب. آزادی به مثابه مبنای نظم و امنیت؛
- ج. آزادی به مثابه یکی از ارکان تمدن و توسعه جامعه؛
- د. آزادی به مثابه رکن و نتیجه یکتاپرستی؛
- هـ. آزادی به مثابه فطرت انسان.

در ادامه فقط به توضیح آزادی به مثابه مبنای نظم و امنیت شهروندان از نظر امام خمینی علیه السلام پرداخته می‌شود.

– آزادی به مثابه مبنای نظم و امنیت

در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه حکومت و تشکیل جامعه مدنی یا مدینه توسط انسان‌ها برای پایان دادن به وضعیت هرج و مرج، ستم، بی‌عدالتی، بی‌نظمی و ناامنی است. انسان به این دلیل در برابر اقتدار حکومت تسلیم می‌شود که محیط زندگی وی امن شود و در چنین محیطی بتواند به حقوق و رشد استعدادهای خویش دست یابد (حیدری، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳).

ضرورت تشکیل حکومت برای تحقق آزادی، امنیت، گسترش عدالت، تعلیم و تربیت شهروندان، حفظ نظم، برطرف کردن ستم و جلوگیری از تجاوز بیگانگان از روشن‌ترین احکام عقلی است که شرع و وحی نیز آن را تأیید کرده است. جایگاه و ارزش امنیت در جامعه در نگاه امام خمینی رحمته الله علیه به گونه‌ای است که ایشان وجود امنیت در جامعه را پیش‌شرط همه لذت‌ها و خوشی‌های دنیوی محسوب می‌کند و معتقد است سعادت دنیوی بدون وجود امنیت امکان‌پذیر نیست و به این دلیل، دولت اسلامی موظف به تأمین سعادت دنیوی شهروندان و ضامن حفظ امنیت آنان است. ایشان در این باره سخن از اطمینان به میان می‌آورد که همان امنیت همه جانبه است و می‌فرماید:

من به شما برادرها مژده می‌دهم که چنانچه ما با هم برسیم به آنجایی که محتوای اسلام در این مملکت همه جا پیاده بشود، یک حال طمأنینه و حال اطمینان به امت، اطمینان به کشور، اطمینان به همه چیز کشور حاصل می‌شود که سرآمد همه خوبی‌ها است. انسان اگر چنانچه همه خوشی‌ها را داشته باشد، لکن، حال اطمینان نداشته باشد، متزلزل باشد، تمام آن خوشی‌ها تلخ می‌شود... این طمأنینه روحی، بهترین چیزی است که برای انسان هست (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۴۲-۴۳).

بر این اساس، امنیت و آزادی به هم مرتبط می‌شوند و هر یک بدون دیگری بی‌معنا خواهد بود؛ آزادی اساس امنیت است و امنیت باعث فعلیت و شکوفایی آزادی است و تحقق آن در وجود فرد و جامعه امکان‌پذیر می‌شود. بنابراین، آزادی آن است که فرد با احساس امنیت بتواند از آزادی‌اش به گونه‌ای درست بهره‌برداری کند؛ وگرنه آزادی همراه با اضطراب و ترس معنا ندارد. امام رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: «آزادی در حدود ضوابط است... در حدود قواعد و قوانین هست؛ یعنی شما دیگر از کسی... نمی‌ترسید... این به این معنا - الحمدلله - ما الآن آزادیم» (همان، ج ۶، ص ۴۶۶).

به این ترتیب، در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، آزادی همراه با امنیت و به عنوان اساس و پایه آن، نه تنها یک اصل ارزشمند و قابل احترام است که باید پاس داشته شود؛ بلکه یکی از اهداف اصلی تأسیس حکومت است که امنیت در جامعه، راه تحقق آن را هموار می‌کند (جمشیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۸).

نمونه، ابعاد و مصادیق آزادی

به طور کلی، حوزه بهره‌مندی از آزادی - این عطیه بزرگ الهی - به دو حریم مشخص تقسیم می‌شود که عبارت است از: الف. حریم عمومی^۱ که بیانگر آزادی‌ها در سطح جامعه است؛ یعنی آزادی در مواردی که به سرنوشت مشترک با دیگران ارتباط می‌یابد؛ یعنی آزادهای مدنی. ب. حریم خصوصی^۲ که بیان‌کننده آزادی‌ها در سطح خصوصی و فردی است و شامل حوزه‌های اعتقادی، بیان، شغل، محل کسب، سکونت، شیوه زیست و مانند آن می‌شود. امام خمینی علیه السلام به هر دو حوزه بهره‌مندی انسان‌ها از آزادی تأکید دارد. ابعاد و مظاهر آزادی از دیدگاه ایشان عبارت است از: آزادی عقیده و بیان، مطبوعات، انتخابات، احزاب، اقلیت‌های مذهبی، زنان و غیره. در ادامه به دلیل اختصار برخی از این موارد بررسی می‌شود.

۱. آزادی تفکر، عقیده و بیان

یکی از مهم‌ترین موارد در آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، آزادی سیاسی و بیان و احیاناً نشر آن است. در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، «اظهار عقیده و آزادی بیان» برای همه افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی جایز است و این تجویز به طرفداران نظام اسلامی اختصاص ندارد (فراستی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱). از جمله ویژگی‌های انسان، تعقل و قدرت فکر کردن است. از نظر اسلام، تعقل، مهم‌ترین ویژگی انسان است که باعث تمایز وی از موجودهای دیگر می‌شود و خدای متعال در آیات گوناگونی بر اهمیت و لزوم تفکر تأکید کرده است. امام خمینی علیه السلام نیز که یکی از فقها و مجتهدان برجسته اسلامی است، با تمسک به اسلام و قرآن به آزادی تفکر و عقیده توجه می‌کند. دو دیدگاه درباره آزادی عقیده و بیان وجود دارد: یکی، آزادی عقیده و بیان را حق فطری و طبیعی انسان‌ها - هر عقیده و مرامی داشته باشند - دانسته و شهروندان یک جامعه را از لحاظ برخورداری از نعمت آزادی برابر می‌داند. دیگری، آزادی عقیده و بیان را تنها برای شهروندان معتقد به یک نظام سیاسی و اعتقادی خاص جامعه - در درون آن جامعه - یعنی به اصلاح خودی‌ها می‌داند و شهروندان را از لحاظ برخورداری از این آزادی به درجه‌های گوناگون تقسیم می‌کند (جمشیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۵).

بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی علیه السلام در زمره افرادی است که دیدگاه اول را پذیرفته و به دور از ضرورت‌های اجتماعی، به ضرورت آزادی برای همه شهروندان، تأکید و به آن توجه کرده است. به نظر ایشان، دین الهی از همان ابتدا دستاورد این پیام بوده که نعمت آزادی بالاترین نعمت است و خداوند به طور ذاتی آن را به بشر بخشیده است. ایشان در این باره می‌فرماید: «آزادی بیان و قلم برای

1. Public Space

2. Individual Space

همگان آزاد می‌باشد» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۲۶۲). همچنین امام رحمته الله علیه در بستر اجتماعی انقلاب اسلامی فرموده است: «در چارچوب این نهضت، انقلاب اسلامی، همه مردم آزاد هستند. کسانی هم حرف دارند، حرف‌هایشان را می‌زنند، حتی هر فرقه‌ای باشند» (همان، ج ۱۲، ص ۳۲۴)؛ «در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده‌ای هستند» (همان، ج ۴، ص ۴۳۵). در حقیقت، اولین و مهم‌ترین نوع آزادی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، آزادی فکر و اندیشه است. ایشان این‌گونه آزادی را از آزادی‌های دیگر برتر می‌دانند؛ زیرا به تفکر و تعقل، در اندیشه‌های اسلامی توجه و سفارش بسیاری شده است. همچنین ایشان یکی از ویژگی‌های انسان کامل را تکیه بر برهان، استدلال و دوری از تحمیل عقاید می‌دانند و به‌طور اصولی معتقدند که تحمیل عقاید امری غیر ممکن است (رنجبر، ۱۳۸۲، ص ۱۵۸). بنابراین، در اندیشه سیاسی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، شهروندان به شهروند درجه یک و دو تقسیم نمی‌شوند و هر کس با هر عقیده‌ای که دارد، از آزادی عقیده، بیان و قلم و همه آزادی‌های قابل تصور برای یک مسلمان بهره‌مند است.

۲. آزادی مطبوعات

امام خمینی رحمته الله علیه برای مطبوعات و آزادی آنها، نقش ویژه‌ای قائل است و مطبوعات را برای پویایی جامعه ضروری می‌داند. از دیدگاه ایشان، مطبوعات در نشر همه عقاید و واقعیت‌ها آزادند و باید در خدمت کشور باشند؛ با این هدف که آرزوهای ملت را منعکس و افراد جامعه را برای اهداف والاتر تربیت کنند. ایشان می‌فرماید: «باید مطبوعات در خدمت کشور باشد، نه بر ضد انقلاب و کشور، مطبوعاتی که بر ضد انقلاب کشور هستند، اینها خائن هستند. مطبوعات باید منعکس‌کننده آمال و آرزوی ملت باشند» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۴، ص ۴۰۱).

به اعتقاد امام رحمته الله علیه نشریه‌ها و مطبوعات نباید ابزار دستگاه حاکم باشند و به‌نظریه‌های مردم جامعه خویش توجهی نکنند. تأکید ایشان به مطبوعات، همیشه حرکت در مسیر ملت بوده و معتقد است: «مطبوعات باید یک مدرسه بسیار باشند تا مردم را از همه مسائل، به خصوص مسائل روز آگاه نمایند و به صورتی شایسته از انحرافات جلوگیری کنند،... یک بنگاه هدایت باشند» (همان، ج ۱۸، ص ۶۱).

امام خمینی رحمته الله علیه درباره آزادی مطبوعات می‌فرماید:

ما آزادی دادیم به آنها، آزادی مطلق، که در ظرف این چند ماه قریب دویست حزب و گروه و زیاد مطبوعات، مجلات و روزنامه‌ها منتشر شد و هیچ‌کس جلوگیری نکرد. در عین حالی که به همه مقدسات ما توهین کردید، در عین حالی که با حکومت آن‌طور رفتار کردید و با اسلام آن‌طور رفتار کردید در مطبوعاتتان، معذک به شما تعرضی نشد، تا آنکه فتنه را

دیدیم و فهمیدیم که شما فتنه‌گر هستید. بعد از اینکه توطئه شما ثابت شد و مردم فهمیدند شما چه اشخاصی هستید، دیگر نمی‌توانیم اجازه بدهیم آزادانه هر کاری می‌خواهید بکنید، شما را سرکوب خواهیم کرد (همان، ج ۸، ص ۲۶۷).

همچنین ایشان تأکید می‌کند: «ما حرفمان این است که آقا به قانون اساسی عمل کنید؛ مطبوعات آزادند؛ قلم آزاد است؛ بگذارید بنویسند مطالب را» (همان، ج ۱، ص ۱۲۰).

۳. آزادی احزاب

دیدگاه‌های گوناگونی درباره آزادی احزاب، در جامعه سیاسی ایران وجود دارد. برخی، آزادی بی‌قید و بند برای احزاب را باور داشته و به دنبال شکل‌گیری آن هستند؛ اما برخی دیگر، با انکار اصل حزب در جامعه اسلامی، به مخالفت با شکل‌گیری احزاب پرداخته‌اند. امام خمینی علیه السلام به آزادی احزاب و تشکل‌ها در چارچوب اسلام و حکومت اسلامی قائل است. ایشان در ابتدای انقلاب با اشاره مکرر به فعالیت‌های آزاد احزاب در حکومت اسلامی بعد از انقلاب، کشور ایران را این‌گونه ترسیم می‌کنند: «کشور اسلامی ایران دارای یک مجلس که اعضای آن از طریق آرای عمومی مردم انتخاب خواهند شد، خواهد بود و تنها به احزاب و گروه‌هایی داده خواهد شد که به منافع ملی احترام بگذارند» (همان، ج ۵، ص ۴۴۶).

از نظر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، اصل آزادی گروه‌بندی سیاسی - اجتماعی و احزاب در چارچوب قانون رسمیت داشته و تا زمانی که علیه مصالح مملکت توطئه نکنند، آزاد هستند و جلو فعالیت آنها گرفته نخواهد شد و با آنها مخالفت نمی‌شود. همچنین ایشان تأکید می‌کند که اگر فعالیت گروه‌های چپ و مارکسیست‌ها برای ملت ضرر دارد، از کارشان جلوگیری شود؛ اما اگر ضرری نداشته نباشد و فعالیت‌شان فقط در حد اظهار عقیده باشد، مانعی ندارد (همان، ص ۵۲۰). امام خمینی علیه السلام حتی در شرایط سال‌های ۱۳۶۰، فعالیت آزاد احزابی را که علیه کشور قیام مسلحانه نکرده بودند، مجاز می‌دانست و می‌فرمود:

بعضی احزابی که انحرافی هستند و ما آنها را جزء مسلمین هم حساب نمی‌کنیم، مع ذلک، چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت‌های سیاسی دارند، هم آزادند و هم نشریه دارند به طور آزاد؛ پس بدانید که این‌طور نیست که ما با احزاب دیگری، با گروه‌های دیگری، دشمنی داشته باشیم. ما البته میل داریم که همه گروه‌ها و همه احزاب به اسلام برگردند و راه مستقیم اسلام را پیش بگیرند و همه مسلم بشوند. بر فرض اینکه نشدند، مادامی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور جمهوری اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده‌اند، به‌طور آزاد دارند عمل می‌کنند و به‌طور آزاد حرف‌های خودشان را دارند می‌زنند (همان، ج ۱۴، ص ۳۴۳).

رهبر کبیر انقلاب اسلامی به دلیل اینکه به دموکراسی از نوع اسلامی آن، اهمیت بسیاری می‌دادند و از آنجا که یکی از اصول اولیه حکومت‌های دموکراتیک را وجود احزاب و گروه‌های مختلف با دیدگاه‌های گوناگون می‌دانستند؛ پس این نوع آزادی را برای جامعه بسیار ضروری تلقی می‌کردند. از دیدگاه ایشان، دموکراسی بدون وجود احزاب سیاسی معنایی ندارد و وجود یک حزب و آن هم اگر متعلق به جناح موافق باشد؛ در واقع، به معنای نبود آزادی و رواج اندیشه‌های دیکتاتوری در جوامع است. از این رو، ایشان همواره تأکید می‌کردند که همه احزاب در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توانند آزادانه اظهار نظر کنند و نیز احزاب آزادند که با ما یا با هر چیزی مخالفت کنند، به شرط اینکه برای کشور ضرر نداشته باشد (همان، ج ۳، ص ۱۴۰).

به‌طور کلی، در تبیین دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله درباره احزاب و تشکل‌ها سه نکته اساسی برداشت می‌شود:

الف. از نظر امام رحمته‌الله، آزادی تشکیل اجتماع‌ها و مشارکت در صحنه‌های سیاسی-اجتماعی، از اهداف اساسی انقلاب است.

ب. به اعتقاد امام رحمته‌الله، جمهوری اسلامی، آزادی فعالیت سیاسی-اجتماعی را به گروه‌ها و احزاب داده است؛ بنابراین، دادن اجازه فعالیت و مشارکت در امور به گروه‌ها و احزاب باعث شده که انقلاب به تمام معنا آزادی‌بخش شود.

ج. مانع اصلی آزادی برخی از احزاب و گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی از دیدگاه امام رحمته‌الله، اقدام به توطئه و طرح‌های براندازی و انجام اقدام‌هایی برخلاف مصالح مردم است. به نظر ایشان، باید به احزاب و گروه‌ها اجازه فعالیت داده شود، مشروط به اینکه به توطئه و انجام فعالیت‌های مضر برای مردم دست نزنند (بنده‌قرائی و تقی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۴۳).

۴. آزادی اقلیت‌های مذهبی

در یک جامعه اسلامی، همه انسان‌ها، فارغ از هرگونه اعتقاد و مذهبی، حقوق مساوی دارند و قوانین جامعه برای همه آنها یکسان است. از نظر امام خمینی رحمته‌الله دولت اسلامی، یک دولت دموکراتیک، به معنای واقعی است و برای همه اقلیت‌های مذهبی آزادی به‌طور کامل وجود دارد (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۴۱۰-۴۱۱). ایشان در این باره می‌فرماید:

در اسلام مابین اقشار ملت‌ها هیچ فرق نیست. در اسلام حقوق همه ملت‌ها مراعات شده است: حقوق مسیحیین مراعات شده است؛ حقوق یهود و زرتشتیین مراعات شده است؛ تمام افراد عالم را بشر می‌داند و حق بشری برای آنها قائل است، تمام عالم را به‌نظر محبت نگاه می‌کند (همان، ج ۶، ص ۴۶۸).

به اعتقاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی، دولت اسلامی موظف است تا از حقوق اقلیت‌های دینی و نیز اقلیت‌های دیگر دفاع کرده و به بهترین وجه از آنان نگهداری کند. اقلیت‌ها می‌توانند از آزادی انجام فرائض دینی و استفاده از تمام حقوق سیاسی و اجتماعی بهره‌مند باشند. ایشان این نوع آزادی را یکی از ویژگی‌ها و اصول جمهوری اسلامی ایران می‌داند (اخوان‌کازمی، ۱۳۷۸، ص ۸۲).

محدوده و مرزهای آزادی

وقتی سخن از آزادی به میان می‌آید، یکی از مباحث جدی در این باره مقوله حدود و مرزهایی است که آزادی را تحدید می‌کند. در هیچ جای جهان و در هیچ برهه‌ای از زمان‌ها و در هیچ نظام حکومتی، اعم از سلطنتی، جمهوری، دینی، سکولار یا لائیک، آزادی به معنای مطلق تعریف نشده است و از لحاظ عملی و عقلی نمی‌تواند وجود داشته باشد. پذیرش وجود آزادی مطلق، به‌ویژه در گستره عمل فرد یا گروه‌های اجتماعی، به معنای پذیرش نوعی هرج و مرج و آنارشسیسم است و تداوم نظم اجتماعی را مختل می‌کند. به عبارت دیگر، در صورتی که منظور از آزادی، آزادی مطلق و بدون حد و مرز باشد، فاشیسم به آنارشسیسم شباهت خواهد یافت یا مانند آن خواهد شد.

طبیعی است در همه جای دنیا و در همه مرام‌ها و نظام‌های سیاسی-اجتماعی، به منظور استقرار نظم در جامعه و حفظ پاسداری از حقوق همه انسان‌ها و شهروندان و برقراری یک زندگی مسالمت‌آمیز، ضوابط و محدودیت‌هایی بر سر راه رفتار آزاد انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی و حتی دولت، اعمال و ایجاد می‌شود. امروزه این محدودیت به‌طور عمده وضع می‌شود و در برخی از موارد از عرف اخلاق، آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگ ملی تبعیت می‌کند و استخراج می‌شود. از این‌رو، محدودیت‌های آزادی در یک حکومت دینی، علاوه بر پای‌بندی‌های قانونی، عرفی، اخلاقی و فرهنگ اجتماعی، براساس پای‌بندی‌های شرعی و دینی نیز است و همه شهروندان ملزم به رعایت آن هستند (هزاوه‌ای، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲).

امام خمینی علیه السلام به عنوان یک اسلام‌شناس، فقیه، عارف، فیلسوف، انقلابی بزرگ و نیز یک اندیشمند سیاسی برجسته در زمان معاصر که بزرگ‌ترین انقلاب قرن را براساس دین و با تأثیر کلام خویش به پیروزی رسانید و آن را در قالب استقرار نظم اجتماعی جدیدی بر پایه اسلام نهادینه کرد و با هدایت‌ها و سر پنجه‌تدبیر خاص خویش از طوفان‌های گوناگون و بحران‌های بزرگ به سلامت عبور داد و در زمان حیات خویش همه ارکان، نهادها و قوای لازم حکومت اسلامی را شکل بخشیده و دست‌تطاول قدرت‌های بزرگ را از استقلال، آزادی و منابع و ذخایر ملت ایران قطع کرد. ایشان هر آنچه لازمه استمرار حیات بالنده و تکاملی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در دو قلمرو نظر و عمل بود، را بر کلام مبارک خود جاری کرد و با موضع‌گیری‌ها و اقدام‌های عملی نیز الگویی بی‌بدیل را

در این باره به یادگار گذاشت که بی‌گمان توجه و دقت در این رهنمودها، مواضع و دیدگاه‌ها، سبب تضمین سرفرازی، استقلال، پیشرفت و عظمت ایران اسلامی را فراهم خواهد آورد.

امام خمینی علیه السلام با درک مبانی اسلام ناب از راه قرآن و عترت و اعتقاد به ضرورت حکومت دینی در عصر غیبت بر پایه اصل محوری ولایت فقیه و ایمان به جامع بودن فقه در اداره زندگی انسان‌ها از گهواره تا گور بر این عقیده بود که آزادی‌های مشروع قانونی، لازمه کمال جامعه اسلامی است؛ از این رو، محدودیت‌ها و مرزهای آن را دقیقاً مشخص کردند. با توجه به بررسی سخنان، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، نامه‌ها و حتی احکام صادره و در نهایت، وصیت‌نامه سیاسی- الهی آن حضرت می‌توان گفت که در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام مرزها و محدودیت‌های آزادی در نظام اسلامی عبارت است از:

- الف. اصول، مبانی، احکام، ارزش‌ها و مقدسات اسلامی و جلوگیری از فساد و فحشاء در جامعه؛
- ب. قانون اساسی و قوانین دیگر کشور که توسط مراجع ذی‌ربط به تصویب رسیده است؛
- ج. مصالح و منافع کشور و ملت ایران و آنچه به‌طور کلی سبب حفظ نظام اسلامی و خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان می‌شود (همان، ص ۱۰۴).
- از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، موارد بیان شده باید توسط افراد، گروه‌های سیاسی، رسانه‌های ارتباط جمعی در گستره عمل و به عنوان خطوط قرمز آزادی توجه دقیق شود تا از آزادی سوء استفاده نشود؛ چراکه بزرگ‌ترین دشمن آزادی، سوءاستفادکنندگان از آن است.
- یک نکته قابل توجه در بحث آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام این است که اتفاقاً یکی از تفاوت‌های محوری آزادی به مفهوم اسلامی و آنچه به عنوان آزادی در مفهوم غربی مشاهده می‌شود، همین محدودیت‌ها و مرزها است. با این توضیح که در فرهنگ غرب و نظام‌های حکومتی کشورهای غربی فقط قانون و منافع ملی کشور، محدوده و مرز آزادی را تعیین می‌کند؛ اما از دیدگاه امام خمینی علیه السلام قانون، شرع و مصالح ملی، منابع سه‌گانه ترسیم حدود و مرزهای آزادی محسوب می‌شود. در ادامه، گزیده‌ای از نظرهای امام علیه السلام درباره حدود و مرزهای آزادی در یک جامعه دینی ارائه می‌شود:
- «شما آزادید، آزادی را صرف کنید در صلاح ملت، در صلاح کشور» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۴۳).
- «حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم؟ حالا که آزاد هستیم به زیر دستان خود ظلم کنیم؟ حالا که آزاد هستیم برخلاف نظامات اسلامی و برخلاف نظامات ملی عمل کنیم؟ هرج و مرج بیا کنیم چون آزاد هستیم؟ تحت هیچ قاعده‌ای نباشیم؟ تحت هیچ یک از قواعد اسلامی و ملی نباشیم؟ اگر این‌طور نشد آزادی را سلب کرده‌ایم!» (همان، ص ۴۳ و ۴۲۰)
- «ما آزادی مطلق خواهیم داد و می‌دهیم و داده‌ایم؛ لکن نه برای توطئه... توطئه باید درهم شکسته شود، خرابکاران باید دفع شوند» (همان، ج ۶، ص ۱۳۹).

«گفته می‌شود که مردم آزادند؛ یعنی آزاداند که انسان بزنند، سر مردم را بشکنند، آزاد بوده که قانون‌شکنی کنند؟ آزاد هستند که برخلاف مسیر ملت عمل بکنند؟ آزادند که توطئه بکنند بر ضد ملت؟ اینها آزادی نیست. در حدود کارهای عقلایی آزاد است» (همان، ص ۱۹۲).

«آزادی غیر از توطئه است، آزادی، آزادی بیان است. هر چه می‌خواهند بگویند. توطئه نکنند. این آدم‌کش‌ها و توطئه‌گرها را دفن خواهیم کرد!» (همان، ص ۸۶).

«اسلام است که برای ما یک آزادی، آزادی سالم، آزادی صحیح تأمین می‌کند» (همان، ج ۱۲، ص ۹۱).

«در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار است (خواهد بود) ولیکن هیچ فرد یا گروه وابسته به قدرت‌های خارجی را اجازه خیانت نمی‌دهیم» (همان، ج ۳، ص ۱۷۸).

«آزادی توطئه نمی‌تواند باشد، اگر روزنامه‌ای بخواهد توطئه بکند و راهی برود که دشمن‌های این ملت آن راه را می‌روند، ترویج بکند، از کارهای دشمن‌های یک ملتی... اگر این‌طور باشد، این‌طور آزادی‌ها را ملت ما نمی‌توانند بپذیرند» (همان، ج ۷، ص ۱۹).

«ما آزادی که اسلام در آن نباشد نمی‌خواهیم، استقلالی که اسلام در آن نباشد نمی‌خواهیم. ما اسلام می‌خواهیم، آزادی که در پناه اسلام است، استقلالی که در پناه اسلام است ما می‌خواهیم. ما آزادی و استقلال بی‌اسلام به چه دردمان می‌خورد؟ وقتی اسلام نباشد، وقتی پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله مطرح نباشد، وقتی قرآن و اسلام مطرح نباشد، هزار تا آزادی باشد! ممالک دیگر هم آزادند. ما آن را نمی‌خواهیم» (همان، ج ۶، ص ۲۵۸).

نتیجه‌گیری

امام خمینی علیه السلام در اندیشه سیاسی خود، اصل آزادی را ارج می‌نهد و به این ترتیب، از انواع حکومت‌های استبدادی و مدرن فاصله می‌گیرد. ایشان آزادی را یک ارزش انسانی و الهی توصیف می‌کند که باید به آن احترام گذاشت. دولت اسلامی موظف است از آزادی‌های مشروع پاسداری کند، ولی آزادی باید در حدود و چارچوب قانون قرار گیرد؛ آن هم قوانین موضوعه‌ای که منطبق با قوانین الهی باشد. امام علیه السلام با تأکید بر اصل محوریت حکومت قانون الهی، تصمیم‌های لحظه‌ای و برخاسته از تمایل‌های شخصی حکمرانان را نامشروع توصیف می‌کند و آزادی سرچشمه گرفته شده از اندیشه‌های غرب را غیر قابل پذیرش می‌داند. به همین دلیل، در اندیشه سیاسی امام علیه السلام، استبداد و دیکتاتوری محکوم می‌شود و در نهایت، خود مردم هستند که باید با استبداد مبارزه کرده و حقوق خود را مطالبه کنند.

به اعتقاد امام خمینی علیه السلام، آزادی حقی الهی و ذاتی انسان‌ها است؛ حقی برای انتخاب خود و سرنوشت خود، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی و حقی در انتخاب اندیشه، اعتقادات و

راه و رسم زندگی. در دیدگاه ایشان، مفهوم آزادی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که ایشان در گفتارها و نوشتارهای خود بیش از ۳۰۰ مرتبه به این واژه به‌طور مستقیم اشاره کرده‌اند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی، آزادی را عطیه‌ای الهی دانسته و برای خود خالق، حق دخالت در آزادی بشر را محفوظ می‌داند. از دیدگاه ایشان، آزادی نه قابل چشم‌پوشی و نادیده انگاشتن است و نه شایسته است که مردم از آن صرف نظر کنند. همچنین، نه چیزی است که حکومت به مردم داده باشد و نه چیزی است که حکومت مجاز باشد تا آن را پایمال کند؛ بلکه آزادی حقی خدادادی است که مردم باید آن را طلب و حکومت‌ها باید آن را رعایت کنند. به همین دلیل، حکومت اسلامی نمی‌تواند یک حکومت استبدادی باشد و در اسلام دیکتاتوری به هیچ‌وجه در کار نبوده، نیست و نخواهد بود. امام خمینی رحمته‌الله بر اساس ضرورت‌های زمان و مکان در سال‌های مختلف و به بهانه‌های گوناگون به تبیین حدود آزادی از منظر اسلام پرداختند که از تکرار زیاد این امر استنباط می‌شود که یکی از مسائل مهم در عرصه روشنگری و تبلیغ اسلام و انقلاب اسلامی، تبیین مسئله آزادی و حدود و ثغور آن است. از نظر امام رحمته‌الله، آزادی، دموکراسی و حمایت از اقلیت‌های مذهبی و دیگر مسائل حقوق بشری، جایگاه بسیار والایی دارد. با بررسی بیانات و اندیشه‌های امام خمینی رحمته‌الله که برگرفته از مبانی اسلام است، می‌توان به این نتیجه رسید که در اندیشه سیاسی ایشان بر کرامت ذاتی انسان و لوازم آن (مانند حق تأمین امنیت و آزادی‌های مشروع، آزادی‌های سیاسی و مدنی، آزادی فکر و اندیشه، آزادی احزاب، آزادی انتخابات و حق رأی، آزادی حریم شخصی و غیره) تأکید شده است.

به عقیده بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، آزادی حق اولیه بشر است که در همان ابتدای خلقت به او بخشیده شده است. آزادی که نعمت بزرگ الهی، هدیه آسمانی و امانت الهی است، امتیاز به حساب نمی‌آید تا دولتی آن را ببخشد، یا احیاناً پس بگیرد. آزادی حقی همانند حق حیات است که آدمی قبل از تشکیل جامعه و دولت، آن حق را دارد و دولت نیز موظف به پاسداری از حریم آن است. از نظر امام رحمته‌الله، آزادی از اهداف اساسی انقلاب است؛ اما مهم‌ترین مانع فعالیت در این راستا نیز، مشارکت در طرح براندازی و توطئه علیه نظام است. کلام آخر اینکه تبیین نظری مفهوم آزادی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله در تبیین آسان استراتژی نظام جمهوری اسلامی درباره آزادی‌ها، حقوق و اجرای شیوه مردم‌سالارانه بسیار مؤثر است.

منابع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸)، «دموکراسی و آزادی از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ش ۹ و ۱۰.
۳. امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۸)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. بندهقرائی، احمد و ابراهیم تقی زاده (۱۳۹۰)، «آزادی و جایگاه آن در اندیشه حقوق بشری امام خمینی»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، ش ۱.
۵. پهلوان، عاطفه (۱۳۷۹)، آزادی و دموکراسی در اندیشه امام خمینی، با مقدمه سیدمحمد موسوی خوئینی، چاپ اول، تهران: نشر ذکر.
۶. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی امام خمینی، چاپ دوم، تهران: نشر پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۷. حسینی، محمدرضا و مرتضی پیروزبخت (۱۳۷۸)، «آزادی از دیدگاه امام خمینی»، نشریه جمهوری اسلامی (شهریور ۱۳۷۵).
۸. حیدری، حمید (۱۳۷۸)، «آزادی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی»، پژوهشنامه متین، ش ۲.
۹. رنجبر، مقصود (۱۳۸۲)، حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۸)، «آزادی در اندیشه امام خمینی»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۱۲.
۱۱. محمودی، سیدعلی (۱۳۷۷)، نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و لاک، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۵)، آزادی‌های شخصی و فکری از نظر امام خمینی و مبانی فقهی آن، چاپ دوم، تهران: چاپ و نشر عروج.
۱۳. هزاوه‌ای، سیدمرتضی (۱۳۷۹)، «جایگاه آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی»، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، پیش شماره ۴.